

گزارشی از برگزاری مراسم خیابانی



یادمان جانباختگان دهه ۶۰ و خیزش اخیر در ایران

روز چهارشنبه، از ساعت ۱۰ صبح، به دعوت "کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - بلژیک" یکی یکی در برابر ساختمان بورس در بروکسل جمع شدیم تا با هم و بار دیگر بدور از فضای سوگواری و ماتم، یاد و آرمان جانباختگان دهه ۶۰ و خیزش اخیر مردم ایران را گرامی بداریم.

سعی مان بر این بود تا با امکانات محدودمان بخشی از جنایات جمهوری اسلامی را در برابر چشمان ساکنین بروکسل قرار دهیم، تا نادیده ها و ناگفته هایمان را با آنها در میان بگذاریم، با مردمی که انتظار داریم در کنار مبارزاتمان بایستند. طبق برنامه از قبل تعیین شده، بخشی از عکس های جان باختگان دهه ۶۰، افراد و جریانات سیاسی مختلف، قتل های زنجیره ای و ... را تهیه کردیم و اقدام به شبیه سازی از خاوران بهترین ایده ای بود که می توانست ما را به اهدافمان نزدیک کند. با توجه به هوای ابری و بادی تا ساعت ۱۱ به برپایی چادمان، نمایشگاه عکس، آویختن پارچه ها و شعارهای خود و مرتب کردن میز اطلاع رسانی همراه با تراکت هایمان پرداختیم.

عکس های جانباختگان را بدون نظم روی زمین و پیاده رو پهن کردیم و در لابلای آن جمله "۲۱ مین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در ایران" و تابلوهای "گمنام" به زبان های مختلف توجه رهگذران را جلب می کرد. در بالای عکسهای جانباختگان دهه ۶۰ نیز نمایشگاه عکسی از تصاویر خیزش اخیر قرار داده بودیم. در بالاترین بخش هم تصاویری از "اردوگاههای مرگ آشووینس"، "گورهای دسته جمعی شیلی و فلسطین" را قرار دادیم. درحالیکه شاخه های گل را بروی عکسها پخش می کردیم؛ چشمهای پرسشگر زیادی را می دیدیم که در اطرافمان تجمع کرده بودند و منتظر دریافت پاسخ خود بودند. تعدادی از رفقای کمیته در حال بحث و صحبت با حاضرین بودند و با کمک بیانیه ها و تراکت های موجود و عکس ها سعی در پرده برداری از این جنایت هولناک توسط رژیم جمهوری اسلامی داشتند. موزیک های انقلابی به زبانها مختلف فضا را بسیار اکتیو کرده بود. رفقای از بلژیک، ترکیه و تونس و ... هم در همبستگی با این حرکت ساعتی در کنار ما بودند و با حاضرین و رهگذران درباره این جنایت یا جنایات مشابه در کشورشان بحث و گفتگو می پرداختند. بخاطر تعداد زیاد افراد مراجعه کننده و پرسشگر، در خلال برنامه ما دوبار اقدام به تهیه مجدد کپی از تراکت هایمان کردیم که نشانه بسیار مثبتی بود که استقبال از برنامه خارج از انتظار ما بوده است. در اوسط برنامه تعدادی از جوانان فعال در کمیته بطور ناگهانی اقدام به اجرای تئاتر خیابانی کوتاهی کردند که مورد توجه عابران و حضار واقع شد. ماجرا اینگونه بود که تعدادی از جوانان با سرعت شروع به پخش اعلامیه هایی در بین جمعیت کردند و شریطی مثل ایران و بخصوص سالهای نه چندان دور ۶۰ را بازسازی کردند. در لحظه ای صدای تیراندازی باعث می شود که آنها یکی یکی بر روی زمین بغلطند. در پایان فردی برکه هایی که بر رویشان احکام جانباختگان دهه ۶۰ نقش بسته بود، بر روی اجساد قرار می داد. این نمایش کوتاه نیز مورد توجه قرار گرفت. متأسفانه بعلت نقص فنی ژنراتور نتوانستیم نمایش های دیگری را برگزار کنیم.

نکاتی درباره برخورد رهگذران:

از موارد بسیار جالب برنامه این بود که با جوانان دانش آموز و دانشجوی عرب، بلژیکی و ... برخورد داشتیم. جوانی از فلسطین از یکی از برگزار کنندگان پرسیده بود که: من رابطه بین این عکس ها را با عکسهایی که از فلسطین در بالای آنها زده اید نمی فهمم؟ رفیق ما توضیح داده بود که برای ما مهم است که در حین معرفی گورهای دسته جمعی

در ایران و نیروهای جانباخته در حوادث گوناگون، تأکید کنیم که قدرتهای جنایتکار و مرتجع - از اسلامی گرفته تا مسیحی و یهودی - یکی هستند و مرتکب این فجایع می شوند. در ایران آزادیخواهان و مردم عادی در برابر مرتجعین مذهبی قرار دارند. وی با توجه به اینکه مسلمان بود، همبستگی عمیق خود و دوستانش را با این حرکت و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران ابراز داشت و راه آنرا براندازی مرتجعین مذهبی از هر جناحی در حکومت ایران دانست. نظر یکی از دوستان این بود که برنامه از نظر اجرا هم خیلی خوب و جذاب بود؛ میز اطلاعات هم خیلی بجا و مهم بود. اکثر مردم در مورد خیزش های اخیر در ایران می دانستند و فکر می کردند این عکس ها مربوط به امروز است و وقتی می فهمیدند مربوط به گذشته است، تعجب می کردند و خواهان اطلاعات بیشتر می شدند، خیلی از آنان از جوان بودن جانباختگان تعجب می کردند. او معتقد بود که برخلاف برنامه های قبلی مردم خیلی مشتاقانه بدنبال گرفتن اطلاعات و بحث بودند و دایماً به ما مراجعه می کردند.

برخورد بسیار خوبی هم با گروهی از اسپانیایی زبانهای بلژیک داشتیم. آنها هم در زمینه قتل عام های دسته جمعی فعال هستند و ما را به جلسه آتی خود دعوت کردند.

زنی مسنی می گفت من آشویتس را می شناسم و هر سال برای همین به اسرائیل می روم دو نوه من یهودی هستند، می دانم در دنیا فجایع زیادی هست، اما چیزی درباره ایران نمی دانستم.

اما پیرمردی بلژیکی جلو آمد و گفت من سی سال در کشور های اسلامی کار کرده ام همه این چیزها را می دانم، چرا شما در بلژیک اینکار را می کنید؟ باید شما در کشور خودتان اینکار را انجام دهید و این ربطی به مردم ما ندارد!!! اما در پاسخ به پرسش ما که می گفتیم خیلی ها از این جنایات بی اطلاع هستند در ثالی چرا رأی دادن به نمایندگانی که برای جنگ در عراق، افغانستان، رندا و کنگو و ... و فرستادن سرباز به آنجا تصمیم می گیرند به شما ربط دارد؟! چراغ سبز نشان دادن به آمدن خمینی و حمایت از بنیادگرایی به حکومت شما ربطی ندارد؟ آیا نمایندگان شما فقط درباره سیاست داخلی بلژیک تصمیم می گیرند؟ ولی او همچنان روی حرف خود پافشاری می کرد.

جالب اینجا بود که با تعداد زیادی از ایرانیان ساکن بلژیک و با توریست های ساکن اروپا و مسافرین ایران هم برخورد داشتیم. خانواده ایرانی ۵ نفره ای که عازم ایران بودند و دنبال آدرس سوغاتی فروشی بودند؛ و صحبت های ما درباره سال ۶۷ و ۶۰ و فرمان خمینی برای آنها گویا اخباری از کره ای دیگر بود در نهایت با تعجب از ما جدا شدند. چندین زن و مرد بلژیکی با ما اعلام همبستگی کردند، یکی از آنها که مصر بود به نوعی در حرکت ما شرکت داشته باشد برای ما نوشیدنی خرید و دیگری به تصحیح متون فرانسوی ما کمک می کرد.

حضور مبارزین دو نسل و همچنین نسل دوم خارج از کشور از محاسن این برنامه بود. می توان گفت یکی از موفقیت های ما این ترکیب رنگارنگ بود، حتی حضور پیرمردی ایرانی که حدود ۸۰ سال سن داشت و تقریباً از ابتدای برنامه در کنار ما بود و می گفت از طریق رادیو در جریان قرار گرفته و از این پس همیشه در برنامه های ما شرکت خواهد داشت، نیز ما را مصمم تر می کرد.

نزدیک غروب هم نم نم باران در کنار تصاویر یارانمان چیزی از لطف برنامه نکاست و تا آخرین دقایق در حال بحث با مردم بودیم؛ حتی وقتی عکسها و وسایلمان را جمع کرده بودیم هم مردم از ما بیانیه می خواستند. در پایان همگی خوشحال از یکروز فعالیت خوب و مفید از هم جدا شدیم، در حالی که بحث بر سر تدارکات گردهمایی روز شنبه همچنان گرم بود. قرارمان برای شنبه در دانشگاه ULB را که "گردهمایی یادمان جانباختگان دهه ۶۰ و خیزش اخیر در ایران" است را با هم گذاشتیم؛ با این امید که در آنجا هم برنامه خوبی داشته باشیم.

گزارش و گزارش تصویری آکسیون را در این آدرس ببینید:

<http://committe2007.blogfa.com/post-185.aspx>

فراخوان به گردهمایی شنبه را در این آدرس ببینید:

"یادمان جانباختگان دهه ۶۰ و حوادث اخیر ایران" شنبه ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۹ - بروکسل دانشگاه ULB

<http://committe2007.blogfa.com/post-184.aspx>





